

## حملات و وحشیانه داعش از مردم بی‌گناه افغانستان قربانی می‌گیرد

دومین جمعه پی‌درپی نمازگزاران و مردم بی‌گناه آماج حملات وحشیانه انتحاری داعش قرار می‌گیرند و سلاخی می‌شوند. توالی و تداوم حملات انتحاری بر مردم بی‌گناه در شهرهای قندوز و کندهار ناامنی را در افغانستان زیر سلطه طالبان، برای اقلیت مذهبی شیعیان افغانستان افزایش داده است. روز جمعه ۲۴ خزان ۶۳ نفر نمازگزار در داخل مسجد فاطمیه شهری کندهار مورد حمله انتحاری قرار گرفتند و کشته شدند. یک جمعه قبل از آن در اثر حملات مشابه انتحاری داعش بر نمازگزاران در مسجد جامع سیدآباد شهر قندوز بیش از ۱۵۰ نفر کشته و صدها نفر زخمی شدند. مسوولیت هر دو این حمله را گروه داعش - شاخه خراسان بر دوش گرفت. علاوه بر آن گروه داعش در سایت اعماق منسوب به این گروه هشدار داده است که هیچ فرد شیعه از بغداد تا خراسان در امان نخواهد بود.

در این دو ماه که از قدرت‌گیری طالبان و سرنگونی رژیم دست‌نشانده می‌گذرد، طالبان سرخوش از فتح افغانستان و شکست اشغالگران امریکایی و متحدینش، تامین امنیت و ختم جنگ و ناامنی در افغانستان این متاع و شعار تبلیغاتی‌شان نقش بر آب شد. با حملات پیهم و مهیب داعش بر شیعیان افغانستان تحت اداره طالبان و چندی قبل بر تجمع طالبان در مسجد عیدگاه کابل و در روزهای اولیه ورود طالبان حمله بر میدان هوایی کابل، ناتوانی و ضعف طالبان در ختم جنگ و نامنی آشکار گردید. طالبان در میان مشکلات متعدد دست‌وپا می‌زنند و درماندگی‌شان مشهود است. اختلافات داخلی و فشار ناشی از تحریم‌های کشورهای امپریالیستی و عدم مشروعیت آن از سوی کشورهای منطقه و جهان هرگونه تحرک و ابتکار عمل را از آن‌ها گرفته و سرور و خوشحالی ناشی از فتح را به مصیبت بزرگ برای آن‌ها تبدیل کرده است، طور که حالا حیات حکومت نوپایشان متزلزل به نظر می‌رسد.

حملات انتحاری و کشتار غیرنظامیان و مردمان ملکی توسط داعش به‌خصوص علیه شیعیان افغانستان از مدت چند سال به این طرف ادامه داشته است. رژیم دست‌نشانده و طالبان در گذشته از حملات داعش علیه شیعیان استفاده ابرازی می‌نمود. رژیم دست‌نشانده حملات داعش علیه غیرنظامیان و شیعیان را به طالبان نسبت می‌داد و از آن بر ضد طالبان استفاده می‌نمود. طالبان اما رژیم دست‌نشانده را ناتوان از تامین امنیت شهروندان می‌دانست و مدعی بود که اداره کابل، داعش را علیه مجاهدین مورد حمایت قرار می‌دهد.

اما اکنون که حملات داعش تحت اداره طالبان صورت می‌گیرد، سواستفاده‌های تبلیغاتی هول آن نیز تغییر کرده است. حملات داعش جدا از این که ناتوانی طالبان را در تامین امنیت آشکار نموده است، اما هنوز می‌تواند مورد استفاده طالبان قرار گیرد. کشورهای که از رشد داعش در افغانستان هراس دارند، تداوم فشار اقتصادی بر طالبان را به نفع داعش می‌دانند و از این کار دست خواهند کشید و احتمالاً سطح همکاری‌ها را با طالبان بیشتر خواهند کرد. اما کشورهای که هدفش ناآرام ساختن بیشتر افغانستان و منطقه هستند از این وضع سود خواهند برد. در سال‌های اخیر یکی از عوامل همکاری بسیاری از کشورهای منطقه و جهان با طالبان، رشد داعش در افغانستان و منطقه بود. پاکستان به منظور جلب همکاری‌های کشورهای منطقه و جهان با طالبان در بزرگ‌نمایی داعش نقش مهم بازی نمود و حالا نیز این امر می‌تواند ادامه یابد.

جمهوری اسلامی ایران به بهانه حملات بالای شیعیان افغانستان، بیشترین استفاده را از این وضع خواهد برد و این امر زمینه سواستفاده‌های جمهوری اسلامی ایران را از اوضاع آشفته افغانستان همانند عراق و سوریه بیشتر می‌سازد.

سخنگویان طالبان در مواجهه با حملات خونین داعش علیه اقلیت شیعیان افغانستان با خون‌سردی اعلان کردند که داعش در افغانستان خطر جدی نیست بلکه در حد یک «مزاحمت» است که جلوشان گرفته می‌شود. طالبان ادعا می‌کند که بزرگ‌نمایی داعش به‌منظور ضعیف نشان دادن طالبان است. حملات داعش در حالی از طرف طالبان در حد یک مزاحمت پنداشته می‌شود که صدها نفر توسط آن‌ها به شکل فجیع قتل عام شده‌اند. آیا قتل عام مردم بی‌گناه توسط داعش فقط یک مزاحمت است؟ این خون‌سردی طالبان نسبت به اقلیت‌های مذهبی بیشتر به این دلیل است که طالبان با شدت

کمتر خودشان نیز در ستم علیه ملیت‌های تحت‌ستم و اقلیت‌های مذهبی، هم در گذشته و هم اکنون تاریخ سیاه دارد. قتل عام در شهر مزارشریف و یکاولنگ، سیاست زمینه‌سوخته در شمالی و محاصره و گرسنگی دادن به ساکنان ولایت‌های مرکزی در ۶ دوران اول امارت‌شان در خاطرات مردم این سرزمین باقی است. امروز نیز گزارشات متعدد از قتل، آزار و کوچ اجباری در مناطق مرکزی و شمالی افغانستان شنیده می‌شوند.

داعش در گذشته از اختلاف میان رژیم دست‌نشانده و طالبان سود می‌برد و حالا نیز از اختلافات داخلی طالبان و نارضایتی سربازان آن‌ها و اختلافات مذهبی و فرقه‌ای استفاده می‌نماید و از طرف دیگر داعش موجودیت‌اش محصول کشورهای درگیر جنگ و فقر و نظام فروپاشیده مانند افغانستان و کشورهای خاورمیانه است. به همین دلیل داعش در تلاش آشفته‌سازی بیشتر اوضاع افغانستان است. با آن‌که داعش پایه‌های محکم در افغانستان ندارد، ولی می‌تواند رهبران و سربازان ناراضی طالبان را به صف خود جذب کند. امارت اسلامی طالبان برای رضایت امپریالیست‌ها می‌خواهد «سیاست‌های ملایم‌تری» را اتخاذ نمایند و این امر نارضایتی بیشتر را در بین صفوف طالبان دامن می‌زنند. طالبان از یک سو مجبور است برای تحکیم امارت‌شان بعضی از عناصر «نااهل» را از صفوف شان تصیفه کند و برای جلب حمایت کشورهای خارجی و مشروعیت جهانی عقب‌نشینی کند که این امر نیز فرصت سربازگیری داعش از میان عناصر ناراض، سرخورده و طرد شده طالبان را بیشتر فراهم می‌سازد. داعش بیشتر در ولایت‌های شرقی (ننگرهار و کونړ) حضور داشت و در این ولایت‌ها سربازگیری می‌کردند، ولی حالا که داعش در ولایت قندوز در شمال و کندهار در جنوب، پایگاه سنتی طالبان، می‌تواند دست به حملات انتحاری بزرگ بزند، برای طالبان زنگ خطر است که در آینده می‌تواند برای آن‌ها تهدید جدی باشد.

یکی از عوامل سقوط و آسیب‌پذیری رژیم دست‌نشانده نفوذ طالبان در دستگاه‌های امنیتی آن بود و این امر در سقوط شهرها و جهات جنگی نقش مهم را بازی نمود. حالا اما به نظر می‌رسد طالبان نیز چنین آسیب‌پذیری را دارد و داعش در میان نیروهای نظامی و استخباراتی طالبان نفوذ دارد و یا حلقه‌ها در دوران طالبان با داعش همکاری می‌نمایند.

بنیادگرایان اسلامی مانند داعش، القاعده و طالبان در کشورهای خاورمیانه و افغانستان به دلیل فقر، جهل، عقب‌ماندگی، ویرانی و نظام فروپاشیده این کشورها زمینه سربازگیری دارند. اما همین که بنیادگرایی اسلامی به قدرت سیاسی دست یابد، چهره حقیقی و ضد‌مردمی‌شان برای مردم بیشتر آشکار می‌شود. به طور مثال سلطه چند ساله داعش بر بخش‌های از مناطق و شهرهای مانند فلوجه، موصل و حلب در عراق و سوریه و جمهوری اسلامی در ایران نفرت مردم از بنیادگرایی اسلامی را در این کشورها بیشتر کرد. قدرت‌گیری طالبان و تسلط‌شان بر افغانستان نیز چهره حقیقی طالبان و عمل‌کردهای ضد‌مردمی آن‌ها را بیش از پیش آشکار و نفرت مردم از آن‌ها را بیشتر خواهد ساخت.

کوردلان سیاه ارتجاع داعش نمی‌تواند با ایجاد وحشت در میان مردم زحمتکش افغانستان نفاق ایجاد نمایند، برعکس مردم افغانستان در اثر این گونه حملات کور و وحشیانه حس همدردی و همبستگی میان‌شان بیشتر خواهد شد. در این شرایط که مردم افغانستان با صدها مشکلات ناشی از فقر و بیکاری و آوارگی و استبداد طالبانی مواجه اند حملات داعش بر مردم بیگانه در کندهار و قندوز بر مصیبت و درد و رنج مردم افغانستان افزوده است. حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان نهایت تاثیر و غم شریکی خود را به خانواده‌های مصیبت‌دیده ابراز می‌نمایند و از همه توده‌ها و مردم ستم‌دیده و بلاکشیده افغانستان، نسل جوان، آگاه، روشنفکران، انقلابیون و کمونیست‌ها می‌خواهیم این مصیبت و رنج بی‌کران مردم را به عقده برای نابودی ستمگران و نظام نیمه‌فیودالی-نیمه‌مستعمراتی و بنیادگرایی اسلامی بسیج نماییم. سرنگونی نظام‌های ضدانسانی که طالب و داعش نماینده آن است و ایجاد جامعه فارغ از استثمار و ستم یگانه راه نجات مردم افغانستان از دهشت سرمایه‌داری و بنیادگرایی اسلامی است.

حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان